



مرکز پژوهش‌های مطالعات دریایی

سازمان بنادر و دریانوردی به عنوان تنها مرجع حاکمیتی کشور در امور بندری، دریایی و کشتی‌رانی بازرگانی به منظور ایفای نقش مرجعیت دانشی خود و در راستای تحقق راهبردهای کلان نقشه جامع علمی کشور مبنی بر "حمایت از توسعه شبکه‌های تحقیقاتی و تسهیل انتقال و انتشار دانش و سامان‌دهی علمی" از طریق "استانداردسازی و اصلاح فرایندهای تولید، ثبت، داوری و سنجش و ایجاد بانک‌های اطلاعاتی یکپارچه برای نشریات، اختراعات و اکتشافات پژوهشگران"، اقدام به ارایه این اثر در سایت SID می‌نماید.



سازمان بنادر و دریانوردی



ICOPMAS

قدرت دریائی

نیازی بی چون چرا ، در گرو نگاهی نو

واژه "قدرت دریائی" واژه جدیدی نیست و میتوان گفت بیش از یک قرن موضوع بحث های داغ و سرنوشت ساز بوده و چه بسا مسیر تاریخ بشری و سرنوشت بسیاری از انسانها را در جغرافیای سیاسی دگرگون ساخته است .

" قدرت دریائی" بمفهوم رایج آن برای اولین بار در سال 1894 میلادی توسط آلفرد تایر ماهان دریادار و مورخ دریائی آمریکائی در کتاب معروف او تحت عنوان "تاثیر قدرت دریائی بر تاریخ" مطرح گردید. او با ارائه ادله تاریخی محکم روشن ساخت که ظهور و تداوم قدرتهای بزرگ در جهان همواره با تکیه بر قدرت دریائی و از طریق برتری نسبی در دریاها صورت گرفته است و نهایتاً نتیجه گرفت که لازمه حکومت بر دنیا حکومت بر دریاها است . البته قبل از او بسیاری اگر هم در تاریخ چنین نظری داشته اند و ماهان موضوع را بطور مستدل سامان دهی کرد.

طبیعی است که با وجود استقبال بسیار شدید از این نظریه در زمان خود، دیری نگذشت که مدعیان جدیدی با نظریه های متفاوت و بعضاً مخالف، نظریه قدرت دریائی را به چالش طلبیدند . در راس این مخالفین نظریه پرداز معروف انگلیسی قرار داشت که با مطالعه روند رویدادهای جهان در اوایل قرن بیستم ، نظریه هشدارگونه خود تحت عنوان هارتلند را مطرح و اظهار داشت که هر قدرتی که بتواند سیطره خود را به سرزمین های مرکزی اور آسیا (بخش هایی از اروپای شرق و آسیای شمال غربی) تحکیم کند توان آنرا خواهد داشت که این سلطه را بر سایر سرزمینها و بعبارتی دنیا گسترش داده و حکومت جهانی تک قطبی را از اینراه تحقق بخشد . او با این نظریه به قدرت های بزرگ دریائی زمان خود یعنی انگلستان و آمریکا هشدار میداد که اگر جلوی نیات توسعه طلبانه آلمان گرفته نشود این قدرت بلامنازع زمینی خیلی زود بر هارتلند مسلط شده و طولی نخواهد کشید تا دنیا را زیر سلطه بگیرد . البته این نظریه اثر بخش بود و نتیجه مورد نظر از آنرا دنیا در سال 1945 با شکست آلمان نازی مشاهده کرد.

اما بحث امروز ما ، مطالعه تاریخ نیست هرچند که خوب میدانیم که در مسیر مهیا شدن برای آینده ، هیچ راهنما و مرجعی بهتر و معتبر تر از تاریخ نمیتوان یافت البته اگر خوب از آن درس گرفته شود .

اگر در خصوص تعریف واژه "قدرت دریائی" نظر سنجی شود بی تردید اکثر قریب باتفاق مردم نه تنها ایران که جهان ، تعاریفی مترادف با نیروی دریائی یا توان رزمی دریائی ارائه و آنرا در ارتباط صرف و مستقیم با امنیت و دفاع از کشور در دریا خواهند دانست . ولی امروز این گونه تعریف از واژه قدرت دریائی نه تنها فاقد جامعیت که بسیار دور از واقعیت است و از این رو است که بنده اشاره ای کوتاه به ضرورت بازنگری در این مفهوم را بویژه در مقطع بسیار حساس کنونی کشورمان ضروری دیدم و برای این منظور چه جایی بهتر و مناسب تر از محضر شریف شما بزرگان ، استاد، صاحب نظر، کارشناس، دست اندر کار و البته نگران جریان امور دریائی کشور. باشد که پنجره ای هرچند کوچک ولی نو و متفاوت بسوی چشم انداز توسعه توان دریایی کشور گشوده شود . ان شاء الله ...

از واژه " قدرت دریائی " تعاریف متعدد و متنوعی شده و میشود ولی جامع ترین و بروزترین تعریفی که من تاکنون دیده ام میگوید:

قدرت دریائی عبارتست از " مجموعه توانائی های يك ملت در استحصال منافع خویش از دریاها و اقیانوسها با بکار گیری آبهای دنیا برای مقاصد سیاسی ، اقتصادی و نظامی در زمان صلح و جنگ بمنظور نیل به مقاصد و اهداف ملی "

قبل از اقدام به تشریح "قدرت دریائی" بمفهوم امروزی آن لازم میدانم بدواً نیم نگاهی هم به ماهیت و هویت خود دریا داشته باشیم :

- بیش از $3/4$ سطح کره زمین را آب فراگرفته و لذا بعبارتی باید گفت کره ابی که $1/4$ آن خشکی است
- بیش از نیمی از مردم دنیا در کنار دریا و یا بفاصله چند کیلومتری از کنار دریاها زندگی می کنند
- منابع شناخته شده غذائی (پروتئینی) موجود در دریاها قادر به تغذیه بیش از 5 برابر جمعیت فعلی جهان است و این در حالی است که امروز بیش از $1/4$ جمعیت جهان از نظر تغذیه زیر خط فقر زندگی می کنند.
- آب و بستر دریاها منابع سرشار از مواد کانی و انرژی زای ارزشمندی میباشند که میزان آن در خشکی ها رو به کاستی و اتمام است .
- ارزانتترین ، آسان ترین و مطمئن ترین شیوه جابجائی کالا و نفر هنوز از طریق دریا است و همچنان خواهد بود .
- دریا امکان اعمال قدرت علیه هر دشمن غیر همسایه را فراهم می آورد .
- توان موجود در حرکات فیزیکی دریا (موج و جزر و مد) و همچنین تغییرات حرارتی و شیمیایی در لایه های مختلف آب دریا منبع عظیمی از انرژی است .
- دریا و بویژه در اعماق غیر قابل دسترس آن ، هنوز مملو از ناشناخته های بسیار است که حتماً در صورت تحقیق ارمغان های جدید و سودمندی برای بشر خواهد داشت .

و لذا :

وابستگی مردم دنیا به دریا و رشد روز افزون این وابستگی نیاز به توضیح ندارد ، آمارها گواه این واقعیت است و در این میان برخی کشورها و ملت ها به دریا وابسته ترند . کشور پیر و پهناور ایران هم نه تنها از این قضیه منتثنی نیست بلکه جزو وابسته ترین ها است . ما چه بخواهیم و چه نخواهیم سرنوشتمان با دریا گره خورده ، بخش اعظم منافع ملی و منابع ما در دریا است یا از طریق دریا تامین می شود و در عین حال بزرگترین تهدیدات به منابع ، منافع و امنیت ملی ما ، در دریا یا از طریق دریا ها است . شاید بشود این مفاهیم را در چند بند زیر خلاصه نمود :

- وجود منابع سرشار از نفت و گاز و سایر کانی ها در آبهای سرزمین و فلات قاره ایران با آمارهای تکان دهنده.
- وجود بیش از 3000 کیلومتر مرز آبی با کشورهای دنیا چرا که از طریق همین مرزها و دریاها با کشورهای دنیا همسایه ایم
- انجام بیش از 90% تجارت جهانی ما از طریق دریا . تجارتي که توقف یا حتي اختلال در آن تحمل پذیر نیست .
- حضور مستمر و رو به افزایش بیگانگان در آبهای مجاور ما با مقاصد روشن چپاولگری و زورگیری
- ما چه خواهیم و چه نخواهیم در کنار آبهای قرار گرفته ایم که اگر مهم ترین روی زمین نباشد قطعاً " یکی از معدود مهمترین ها است . تنگه استراتژیک هرمز ، موقعیت راهبري و ممتاز جزایر سه گانه ابوموسی و تبت های بزرگ و کوچک و مناقشات دست ساز بیگانگان فرا منطقه ای پیرامون آن و منابع و ذخایر بسیار غنی و هوس انگیز انرژی در این آبها و سرزمینها اطراف آن همه و همه حکایت از این دارند که سرنوشت سازترین عامل برای ما دریا است و عبارت ساده تر پیروزی یا خدای ناکرده شکست ما در دریا رقم ی خورد و بس.

ملت ایران بر خلاف آنچه که تبلیغ و القاء شده و می شود ، از دیر باز یک ملت دریائی بوده است . بگو اه تاریخ ایرانیان از قدیمی ترین دریانوردان بوده و در آبهای خلیج فارس ، اقیانوس هند ، شرق مدیترانه و دریای سرخ سرآمد دوران خود بشمار میرفته اند . گسترده ترین عملیات آبخاکی و لشکر کشی دریائی تا قبل از جنگ جهانی دوم توسط ایرانیان در قرن چهارم قبل از میلاد مسیح صورت گرفته است .

- دریا دار ماهان در تجزیه و تحلیل قدرت های دریائی چنین نتیجه گرفته است که برای تبدیل یک ملت به قدرت دریائی ، داشتن 6 ویژگی اساسی ضروری است . این 6 عامل عبارتند از :
- موقعیت مناسب دریائی – بمفهوم واقع شدن در کنار آب راه های فعال و مهم .
 - اقلیم و منابع طبیعی مناسب – بگونه ای که وابستگی به دریا را ایجاب و امکان پذیر نماید .
 - وسعت کافی سرزمین و سواحل .
 - تعداد کافی جمعیت و نیروی انسانی .
 - فرهنگ و ویژگیهای روحی دریائی در مردم .
 - باور آگاهانه و گرایش به دریا در دولتمردان .

یک نگاه اجمالی نشان می دهد که کشور ایران ، از دیدگاه 4 عامل اول شرایط لازم برای دریائی شدن را دارا ست ، چرا که:

1 – موقعیت جغرافیائی ایران بدلیل قرار گرفتن در یک عرض و طول جغرافیائی معتدل و مناسب و نیز در مجاورت بهترین و مطرح ترین آبها و آبراههای جهان یعنی خلیج فارس و حتي دریای خزر اگر ممتاز نیست پس چیست ؟ چند کشور می تواند ادعای چنین موقعیت ممتاز دریائی را داشته باشند ؟

2 – اقلیم کشور بویژه در کنار دریا های شمال و جنوب بسیار مناسب برای فعالیتهای دریائی است یعنی یخبندان نیست ، طوفانی دائم نیست و سواحل مناسب برای ایجاد بندر و تاسیسات دریائی وجود دارد و در عین حال منابع طبیعی موجود کشور ضرورت تعامل تجاری با دنیا را ایجاب می نماید و لذا از دیدگاه عامل دوم یعنی اقلیم و منابع طبیعی هم ایران می تواند و باید در دریا فعال باشد .

3 – وسعت خاک کشور پیر و پهناور ایران و نیز طول سواحل بیش از 3000 کیلومتری آن کوچکترین مانعی بر سر راه دریائی شدن کشور ایجاد نمی نماید.

4 – جمعیت فعلی کشور حدود 70 میلیون و یک جمعیت قابل توجه است و مهمتر اینکه ترکیب جمعیت یک ترکیب ایده آل از دیدگاه نسبت جمعیت جوان به مسن و زیر سن می باشد و لذا جمعیت کشور مناسب ترین برای تامین نیروی انسانی لازم برای ایجاد هرگونه گسترش در فعالیت های دریائی است .

حال باید پرسید علت چیست که این کشور علیرغم وجود و مساعدت همه شرایط طبیعی بالا و البته پیشینه ای درخشان بعنوان یک قدرت دریائی که تاریخ و جهانیان بدان معترفند ، اکنون به دریا و هر آنچه در او است این اندازه بی میل و رغبت و بهتر است بگویم با دریا بیگانه شده است . اگر به نسخه دست پیچ ماهان مراجعه کنیم پاسخ این پرسش را باید در روایات مردم و گرایشات دولتمردان جستجو کرد . ولی اجازه می خواهم قدری دخل و تصرف کنم البته دخل و تصرفی متکی به مطالعه ، تجربه و شناخت روایات و فرهنگ ملی و این 2 عامل را ادغام و تحت عنوانی واحد یعنی " بیگانگی ملی با دریا" مطرح سازم ، چرا که اگر ملت دارای فرهنگ و خوی دریائی و دریا گرا شد، طبعاً دولت هم که از متن ملت بر می خیزد خود بخود عنایتی خاص به دریا خواهد داشت . این واژه بیگانگی شامل خیلی چیزها می شود چیزهایی مثل ، عدم شناخت ، عدم تمایل و رغبت ، عدم اعتماد و بد بینی تا حد گریزانی .

روشن است که نتیجه این بیگانگی ملی و گریزانی از دریا چیزی جز غفلت از دریا و هر آنچه در او است نبوده و نخواهد بود . تا جایی که نه تنها منافع ملی و حیاتی کشور در دریا بلکه تهدیدات بسیار زیانبار و روز افزون به اقتصاد و امنیت ملی و غیره از طریق دریا ، خدای نکرده فراموش یا دست کم دستخوش بی توجهی گردد که البته نیازی به توضیح آثار و عواقب آن نمیباشد .

می دانیم که ایرانی با دریا بیگانه نبوده . تجارت وسیع و لشگر کشی های ایرانیان در دریا ها را دنیا به یاد دارد . پس او را با دریا بیگانه کرده اند و بی تردید منافع بسیاری از بیگانگان چپاولگر در بیگانگی ما با دریا است تا آنان بتوانند به مطامع خود در این دریاها که اصالتاً به ما تعلق دارد دست یابند .

تا اینجا فقط به بیان درد پرداخته ایم . اما درمان چیست ؟ چه کنیم که بار دیگر فرزندان ایران این دیار دیرین دریا دلان بار دگر به دریا رو کنند و با آغوشی باز و امیدوار ؟

بنده در صدد پیچیدن نسخه ای قطعی برای این ناخوشی مزمن ملی نیستم ولی اینقدر می دانم و مطمئن ، که این درد درمان پذیر است و قطعاً درمان پذیر . نیاز امروز ما یک اراده و عزم ملی است و شروع کار بدست بزرگان سیاست گزار کلی نظام و جهت دهندگان به تلاش همگانی در حرکت بسوی آینده کشور میسر خواهد بود .

هدف مشخص است اشاعه فرهنگ دریایی و ایجاد رغبت عمومی در مردم نسبت به دریا ، دریانوردی و فعالیت های دریایی . برای اجرا راه کارهای زیرتتها یک پیشنهاد است که میتواند تعدیل ، تکمیل یا تشدید گردد . فقط باید جدی گرفته شود و بس .

1- گنجاینیدن مطالب و آموزه های دریایی روشنگر و مشوق در کلیه سطوح آموزشی کشور و بویژه رده های پایین . مهد کودک ، آمادگی و دبستان برای ایجاد کنجکاوی وانگیزه و البته رغبت در کودکان نوجوانان و جوانان نسبت به دریا و امور دریایی .

2- مطالعه ، طراحی و اجرای برنامه های آموزشی و فرهنگی وسیع برای ایجاد و شناخت و گرایش دریایی در مردم و بویژه جوانان به روش های روانشناختی و جامعه شناختی با نگرش به ارزش ها و پیش زمینه های پنداری در مردم .

3- ایجاد جذابیت در صنعت دریانوردی و فعالیت های دریایی از طریق اختصاص تسهیلات و منابع لازم و کافی به فعالیت های دریایی و رفع موانع و مشکلات فراروی آن بگونه ای که مردم و بویژه نسل جوان آماده بکار کشور به طرف دریا و فعالیت های دریایی سوق داده شوند . در این خصوص باید دست و دل بازی کرد ولی بسیار حساب شده و هدفمند .

4- ایجاد زمینه لازم برای تسهیل و ترغیب ساکنان شهرهای بزرگ برای کوچ بطرف بنادر و مناطق ساحلی کشور . فراموش نکنیم که در صورت تامین آب و برق کافی مناطق ساحل جنوب کشور استعداد خوبی در جهت آبادانی و تامین معیشت مردم را دارا هستند و بسیاری مناطق که در گذشته نه چندان دور تبعیدگاه بودند و بردن نامشان موی بر تن انسان راست میکرد ولی امروز شهرها ، شهرکها و مجموعه های بندری را در خرد جا داده اند که نوع خود از بهترین ها است و ساکنان آنها حاضر به جابجایی از آن نمیباشند .

5- ایجاد انگیزه لازم در هر دو بخش دولتی و خصوصی برای سرمایه گذاری هرچه بیشتر و بهتر در صنایع ، تحقیقات و خدمات دریایی و البته توسعه همه جانبه جزایر و مناطق ساحلی کشور بویژه در جنوب .

6- و بالاخره توسعه و تقویت توان رزمی دریایی کشور در ابعاد آفندی و پرافندی بمنظور تامین امنیت مرزها و فعالیتهای دریایی کشور که البته این مهم نیز با ارتقاء فرهنگ دریایی مردم تسهیل میگردد .

تردیدی نیست که راه کارها به همین چند مورد خلاصه نمیشود و البته همین چند مورد هم بسیار کلی گوئی ، وسیع و فراگیر است ولیکن تصور میکنم اگر باور لام حاصل و قدم های اولیه خوب و جدی برداشته شوند نیازهای بعدی بتدریج خود ر نشان میدهند و راه های وصول به اهداف میانی ناگزیر پیموده خواهند شد تا هدف غایی یعنی پیدایش فرهنگ دریایی در مردم و آمایش ملی برای بازیافت قدرت دریایی به مفهوم مدرن آن حاصل گردد .

دنیای امروز دنیای زور است ، هر چند که زور زور همواره در دنیا حاکم بوده ولی امروز مصداق بارزتر و ظاهری گستاخ تر یافته است .

جهان صحنه زورآزمایی قدرت ها و گود این زورخانه هم دریا است . قدر درجه اول زمان ، همچون زنگی مست در میانه گود این زورخانه همه چیز را برای خود میخواد و حق برای دیگران قائل نیست و در این میان بسیار اندکند آنانکه از ترس یا بدلیل دیگر با این زنگی مست بیعت نکرده باشند که البته شاخص ترین این معترضان هم کسی نیست جز این پر پهلوان تاریخ که جمهوری اسلامی اش نام است و مملو از جوانان پرشور و انگیزه ای که کافی است به آنان فرصت و آسیاب ورود به میدان یا بهتر بگوییم گود این زورخانه داده شود . نه فقط برای ستیز که برای یافتن ، که برای ساختن و پرداختن به زندگی بهتر برای خود و هم میهنشان .

امروز سوال مطرح برای ما همان پرسش قدیمی و معروف است: " بودن یا نبودن؟ " اگر بخواهیم باشیم باید به دریا رو کنیم ، در دریا باشیم و هر آنچه می خواهیم بدست آوریم و آینده فرزندانمان را تا قرن ها بیمه و با ارئه خصلت ملی ، رسالت تاریخی خود یعنی ستیز با زور مداران و دستگیری از درماندگان را بار دیگر اجرا و به جهانیان نشان دهیم .

بامید آن روز، ان شاءالله .

محمد ابراهیم تبریزی